

## بررسی تطبیقی روابط بینامتنی قرآن کریم و سروده‌های عربی خاقانی و سعدی

فرزانه ولی زاده خیرآبادی\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۰

ایرج مهرکی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۲۴

### چکیده

از میان تمام منابع پیشامتنی در ادبیات فارسی و عربی، قرآن کریم به واسطه الهی بودن و تمایز ذاتی با آثار ساخته‌شده توسط انسان‌ها و اشتغال بر آیات و مضامین و قصص غنی و بی‌همتای خود کامل‌ترین سرچشمه برای الهام‌گیری شاعران و نویسندگان مسلمان به شمار می‌رود. برقراری روابط بینامتنی با قرآن مجید مستلزم تسلط بر زبان عربی و انس و آشنایی با قرآن کریم است. *خاقانی* و سعدی دو شاعر نامور زبان فارسی هستند که به لطف دارا بودن دو مزیت مذکور، علاوه بر اشعار پارسی به زبان تازی نیز اشعار شیوا و غرآیی سروده‌اند. این دو شاعر در تازی سروده‌های خود نیز مانند اشعار فارسی روابط بینامتنی متعدد مشتمل بر تلمیح، اقتباس، تضمین و تحلیل با قرآن کریم داشته‌اند. در این مقاله که بر اساس روش تحلیلی و تطبیقی فراهم آمده، کوشیده‌ایم تا با ذکر نمونه‌هایی از اشعار عربی هر دو شاعر و ترجمه آن‌ها، شیوه‌های روابط بینامتنی میان قرآن کریم و اشعار عربی آنان را بررسی و چگونگی و بسامد کارکرد این شیوه‌ها را تبیین نماییم و مقایسه‌ای تطبیقی از این دیدگاه میان سروده‌های عربی آنان به عمل آوریم. با توجه به اینکه تا کنون مقاله‌ای به طور اخص به این موضوع نپرداخته است، انتظار می‌رود این پژوهش راهگشای تحقیقاتی از این دست باشد.

**کلیدواژگان:** تلمیح، اقتباس، تضمین، حل، بسامد، تطبیق.

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

\*\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

نویسنده مسئول: ایرج مهرکی

## مقدمه

قرآن کریم به دلیل اشتغال بر معانی و مفاهیم عمیق، واژگان غنی و خصوصیات برجسته هنری و ادبی، والاترین منبع دینی الهام‌بخش برای شاعران و نویسندگان مسلمان است، چنانکه ایشان در شعر خود با کلام الهی ارتباط بینامتنی برقرار کرده و از این سرچشمه سرشار در سطوح گوناگون مفهومی، لفظی و اسلوبی بهره برده‌اند. این بهره‌گیری‌ها و روابط بینامتنی با قرآن مجید به شیوه‌های گوناگون انجام گرفته است که در جای خود به انواع و تعاریف آن‌ها خواهیم پرداخت. پس از هجوم اعراب به ایران و گرایش ایرانیان به اسلام و به دنبال آن آشنایی با کتاب قرآن و مفاهیم آن و دیگر علوم دینی، نفوذ زبان عربی در زبان و ادبیات فارسی رو به فزونی گذاشت به گونه‌ای که استفاده شاعران و نویسندگان از زبان عربی در آثار فارسی نوعی هنر و توانمندی ادبی محسوب می‌شد و حتی گروهی از شاعران به تازی‌سرایی خود می‌بالیدند.

*خاقانی شروانی* از مشاهیر شعر فارسی در قرن ششم است که بر زبان و شعر عربی نیز تسلط داشته است. او در بیت زیر به دو زبانی خود اشاره کرده است:

در صفت یگانگی آن صف چارگانه را      بنده سه ضربه می‌دهد در دو زبان شاعری  
(خاقانی: ۴۲۵، ۱۱)

او در شمار شاعرانی است که به تازی‌سرایی خود نازیده و چنانکه خود گفته دیوانی به زبان تازی داشته است. در بعضی منابع تاریخی و کتب تذکره از جمله «مجالس النفاث» / میرعلی‌شیرنویسی، «نفحات الانس» جامی و «تاریخ گزیده مستوفی» به عربی‌سرایی *خاقانی* اشاره شده است. اشعار عربی او مشتمل بر پانصد و نه بیت است که در قالب قصیده و قطعه سروده شده‌اند و عمده مضامین آن‌ها مدح و مرثیه است.

تازی‌سروده‌های او اگرچه به زبانی دیگر است و طبعاً برای خواننده فارسی‌زبان ناآشنا و نامأنوس است اما با اندکی تسلط بر ترجمه آن‌ها می‌توان دریافت که پیچیدگی و دشوارفهمی قصاید فارسی او را ندارند، و در حقیقت زبان شعر او در اشعار عربی مانند زبان شعرش در غزلیات فارسی ساده و آسان‌فهم است.

سعدی نیز از بزرگ‌ترین و نامورترین شاعران فارسی‌زبان است که شهرت جهانی دارد و به دو زبان فارسی و عربی اشعار غزایی سروده است. با اینکه او تسلط کافی بر

زبان عربی داشته و این تسلط از فحوای سروده‌های عربی او پیداست اما تازی سروده‌ها بخش کوچکی از اشعار او را به خود اختصاص داده‌اند. با این حال همین اندک اشعار عربی بیانگر جایگاه بلند او در میان شاعران فارسی‌زبانی است که به عربی نیز شعر سروده‌اند.

### پیشینه پژوهش

در مورد اشعار عربی خاقانی مقاله «تازی سروده‌های خاقانی» (متن‌شناسی ادب فارسی، اصفهان، ۱۳۹۶، شماره ۲) به رشته تحریر درآمده که سید محسن حسینی وردنجانی و عبدالله رادمرد به بررسی صنعت‌های بلاغی در اشعار عربی خاقانی پرداخته‌اند و ضمن ذکر نام این صنایع بلاغی برای آن‌ها نمونه‌هایی آورده‌اند. تلمیح نیز که یکی از موارد مورد بحث مقاله حاضر است، به عنوان یکی از صنایع بلاغی در مقاله مذکور آمده است. پیرامون سروده‌های عربی سعدی مقاله «تحلیل بلاغی اشعار عربی سعدی با نگاه به تشبیه» (پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، تهران، ۱۳۹۲، شماره ۱) نوشته مصطفی کمال‌جو و الهام زارع به انجام رسیده که انواع تشبیه را به طور کامل و ذکر جزئیات در ابیات تازی سعدی مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. اغلب پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه اشعار عربی خاقانی و سعدی، پرداختن به ترجمه یا بررسی مضمونی اشعار آنان بوده است. در اشعار فارسی خاقانی و سعدی پژوهش‌هایی پیرامون اثرپذیری این دو شاعر از قرآن کریم صورت گرفته اما تا کنون پژوهشی که به طور اخص به بررسی و تحلیل روابط بینامتنی میان قرآن کریم و تازی سروده‌های آنان با دیدگاهی تطبیقی پرداخته باشد، انجام نگرفته است، لذا این مقاله می‌تواند ضمن بررسی این موضوع در تازی سروده‌های هر دو شاعر و روشن‌سازی جانب دیگری از این گونه اشعار، راهگشای پژوهش‌هایی از این دست باشد.

### روش پژوهش

همانگونه که در چکیده مقاله نیز گفته شد، هدف از این پژوهش بررسی تطبیقی روابط بینامتنی میان قرآن کریم و تازی سروده‌های خاقانی و سعدی است، بنابراین کل

اشعار عربی هر دو شاعر اساس کار قرار گرفته و پس از مطالعه و بررسی، نمونه‌هایی از اشعار عربی آنان که مصداق یکی از روابط بینامتنی اعم از تلمیح، اقتباس، تضمین و تحلیل بوده‌اند، پس از شرح مختصری پیرامون هر کدام از آنان ذکر گردیده‌اند. علاوه بر این نام سوره مورد نظر و شماره آیه و مضمون آن برای هر بیت بیان شده و به دلیل علاقه و آشنایی نسبی با زبان عربی ترجمه ابیات توسط نگارندگان و با استفاده از فرهنگ عربی به فارسی «منجد الطلاب» انجام شده است. در پایان هر مبحث نیز نتیجه‌گیری کوتاهی به عمل آمده است. شیوه کار در این پژوهش تحلیلی-تطبیقی است.

### شیوه‌های اثرپذیری از قرآن

شاعران و نویسندگان به اقتضای سخن به روش‌های متفاوتی از دانسته‌های قرآنی خود در میان کلام استفاده نموده‌اند. گاه به اشاره یکی از مضامین یا قصص قرآن را یادآور شده و از آن گذشته‌اند. گاه پاره‌ای از کلام الهی را زینت‌بخش سخن خود قرار داده‌اند. گاه آیات الهی را با تقدیم و تأخیر و دگرگونی در دل شعر و نثر خود گنجانده‌اند و گاه عین نص صریح مصحف شریف را بی کم و کاست پیرایه سخن خود نموده‌اند. در ادامه تعریف مختصری برای هر کدام از این روش‌ها بیان خواهد شد.

### تلمیح

رایج‌ترین و پرکاربردترین شیوه استشهاد به آیات و مضامین و مفاهیم قرآن در ادب فارسی تلمیح است. در کتب مربوط به علم بدیع تعاریف متعدد اما نزدیک به هم برای این شیوه الهام‌گیری آمده است که نمونه‌های منتخب در این مقاله بر اساس این تعریف «تلمیح در فن بدیع عبارت از این است که نویسنده یا شاعر برای اثبات سخن خود به آیه‌ای، حدیثی (یا قصه‌ای یا مثلی یا شعری) مشهور و معروف اشاره کند و یا اینکه از اصطلاحات علوم استفاده کند، بی آنکه صریحاً متذکر استفاده خود باشد» (حلبی، ۱۳۷۵: ۴۶) ذکر شده‌اند. بر طبق این تعریف منظور از تلمیح به آیات قرآن، اشاره گذرای شاعر به مفهوم و مضمون آیات است. *خاقانی* و *سعدی* هم به مضامین هم به قصص قرآن تلمیحاتی داشته‌اند که در دو بخش جداگانه نمونه‌هایی از آن‌ها ذکر می‌شود. به دلیل

بسامد بالای تلمیحات نسبت به دیگر روابط بینامتنی نمونه‌هایی بیش‌تری از آن‌ها نقل می‌گردد.

### تلمیح به قصص قرآن در اشعار عربی خاقانی و سعدی

قصه به دلیل سادگی، جذابیت و تأثیرگذاری بیش‌تر نسبت به دیگر انواع نوشته، کارکرد بیش‌تری برای تفهیم مطالب دارد و به همین دلیل بسامد استفاده از قصص قرآن در قیاس با مضامین آن بیش‌تر است. قصه‌های قرآن ویژگی‌های منحصر به فردی همچون اصالت، واقعی بودن، پند آموزی و فراوانی دارند. «بخش‌های قابل توجهی از قرآن کریم به بیان داستان‌های لطیف و آموزنده‌ای که ریشه در فطرت انسان دارند، اختصاص یافته و مفاهیم عقلی و مهمی از قبیل اثبات خدا، رسالت انبیاء و معاد و بازگشت مردم در عرصه قیامت در قالب الفاظ شیرین و شیوای داستان بیان گردیده است و هیچ گاه خداوند این مفاهیم را تنها در لوای استدلال‌های منطقی محض به کار نبرده است» (کاظمی، ۱۳۷۹: ۸).

در اینجا ابتدا سه بیت از اشعار عربی خاقانی و سپس سه بیت از سعدی که دارای تلمیح به قصص قرآن هستند، برای نمونه نقل و تحلیل می‌شود:

نفسی کبنت شعیب ان افشيتها      من خجلتی تمشی علی استحياء

(خاقانی: ۹۴۸، بیت ۲)

- خاطر من مانند دختر شعیب(ع) است که اگر آن را آشکار کنم، به سبب خجالت از من با شرم و حیا راه خواهد رفت

خاقانی یک بار در اشعار فارسی و یک بار در اشعار عربی خود نام شعیب(ع) را ذکر کرده که بیت فوق یک نمونه از آن‌هاست. البته او در موارد بسیاری به حوادث زندگانی موسی(ع) اشاره کرده و این دو مورد تلمیح به شعیب(ع) نیز به دلیل ارتباط با داستان موسی(ع) بوده است. از آنجا که یکی از دلایل خاقانی در الهام‌گیری‌های قرآنی تفاخر بوده است، در این بیت نیز دختر حضرت شعیب(ع) را به سبب شرم و حیا و رفتار توأم با آزرماش در برابر موسی(ع)، مصداق مناسبی برای بیان اصالت و بکارت طبع شاعرانه خود تشخیص داده و با تلمیح به آیه ۲۵ سوره قصص که بیان‌گر چنین مضمونی است، از

این قصه قرآنی برای القای مقصود استفاده کرده است. گفتیم که اشاره به قصص قرآنی مربوط به موسی(ع) در اشعار خاقانی بسیار است و بالطبع حوادث زندگانی پیامبرانی مانند خضر(ع) و شعیب(ع) که به نوعی به قصص موسوی مرتبط هستند، نیز در حیطه تلمیحات او قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر اشعار ستایش‌آمیز خاقانی محدود به افراد نیست و برخی اماکن از جمله شهر بغداد ممدوح او واقع شده‌اند. خاقانی به روال بسیاری از مدحیات خود برای اعتبار بخشیدن به ممدوح به آیات و قصص قرآن توسل جسته است. تلمیح او به آیه ۶۰ سوره کهف که مضمون آن پیرامون چشمه خضر یا آب حیات است، در مصراع اول و آیه ۷ سوره نمل که بیان‌گر داستان موسی(ع) و مشاهده آتش در وادی طور است، در مصراع دوم گواه این نکته است.

به زعم خاقانی آب بغداد مانند آب چشمه حیوان، زندگی جاودان می‌بخشد و همان‌گونه که نور درخت موسی(ع) را به رسالت نایل کرد، دیدار بغداد نیز خاقانی را به کمال رسانده است. او با اخذ واژه‌های الخضر، ماء، نار و موسی، الهام‌گیری از آیات فوق را بنیان نهاده است:

أمشرب الخضر ماء بغداد      أو نار موسی لقاء بغداد  
(خاقانی: ۹۵۰، ب ۱۱)

- آیا آب بغداد همانند آبشخور خضر(ع) است و دیدار بغداد مانند دیدن آتش موسی(ع) است؟

یکی دیگر از پیامبرانی که قصص مربوط به او به تفصیل در قرآن مذکور است، عیسی(ع) است. برخی از معجزات آن حضرت در خلال این قصص بازگو شده‌اند. یکی از این معجزات زنده کردن مرده به اذن خداوند است که بخشی از آیه طولانی ۱۱۰ سوره مائده به آن اختصاص دارد. این معجزه که ماهیت کلی آن زندگی‌بخشی عیسی(ع) است، به شیوه‌های متعدد و متنوعی در اشعار خاقانی نمود پیدا کرده است. به عنوان مثال خاقانی بیت زیر را در وصف سکه‌های طلایی که ممدوح یعنی امام جلال‌الدین الخواری به او بخشیده، سروده و مصراع دوم آن تلمیح است به معجزه زندگی‌بخشی عیسی(ع). شاعر با ذکر کلمات مسیح و الاحیاء تلمیح خود را شکل داده و سکه‌های ممدوح را حیات‌بخش معرفی کرده است:

عمر الیهود لها ولون غیارهم لکن مسیح العهد فی الاحیاء

(خاقانی: ۹۴۶، ب ۷)

- سرگردانی یهود به سبب سکه طلاست که به رنگ غیار یهودیان (پارچه زرد رنگی که غیر مسلمانان بر خود می‌بستند) و مسیح زمانه در زندگی بخشی است ذکر نمونه‌های تلمیح به قصص قرآنی در اشعار عربی خاقانی پایان یافت. اینک سه بیت نیز از تلمیحات سعدی به داستان‌های قرآن مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد تا در نهایت قادر به مقایسه‌ای در این مورد باشیم.

پیش از این گفتیم که تلمیحات سعدی در تازی‌سروده‌هایش محدود به مضامین پند و اندرز و مدح نیست و غزلیات عربی او نیز به آیات و مضامین قرآن آراسته‌اند. سعدی نیز مانند خاقانی از قصص مربوط به نوح(ع) غافل نمانده است. در مصراع اول بیت زیر با الهام‌گیری از ماجرای طوفان نوح(ع) که در سوره عنکبوت آیه ۱۴ مذکور است، طوفان را استعاره از اشک‌هایش در فراق معشوق گرفته و از این رهگذر شدت و بسیاری و ویران‌گری گریه‌اش را به تصویر کشیده و در مصراع دوم با اقتباس آیه ۵ سوره بروج مبتنی بر شعله‌وری و سوزاندگی آتش دوزخ، اندوه دلش را آتشی شعله‌ور و انبوه قلمداد کرده است. ترکیب اضافی طوفان نوح و کلمات نار و ذات الوقود اساس تلمیح و اقتباس او از این قصه هستند:

ترکت مدامعی طوفان نوح ونار جوانحی ذات الوقود

(سعدی: ۷۹، ب ۱۲)

- اشکی به سان طوفان نوح از چشمان ام‌رها ساختم و آتش درون‌ام هم‌چون آتش

دوزخ مایه‌دار و انبوه است

ضفادع حول الماء تلعب فرحة اصبر علی هذا ویونس فی القعر

(سعدی: ۷۴، ب ۲۸)

- قورباغه‌ها با شادمانی در اطراف آب بازی می‌کنند. بر چنین چیزی صبر کنم در

حالی که یونس در قعر آب است؟

تا کنون شاهد تلمیحات سعدی در موضوعات مدح و تغزل بودیم. استفاده از تلمیح در مرثیاتی نیز به اندازه اشعار مدحی متداول است. سعدی این بیت را در ضمن قصیده

بلندی در مرثیه «امیر المؤمنین المعتصم بالله و ذکر واقعه بغداد» آورده و با تلمیح به قصه قرآنی یونس(ع) آن حضرت را استعاره از المعتصم بالله گرفته که در دل خاک نهان شده و ضفادع(قورباغه‌ها) را استعاره از دشمنان او گرفته که در قید حیات هستند و از اظهار اندوه و تأسف خود از مشاهده چنین اوضاعی خودداری نمی‌ورزد. واژه‌های یونس و القعر در مصراع دوم بیان‌گر اشاره سعدی به مضمون آیه ۱۴۲ سوره صافات است که بر اساس آن یونس(ع) در پی نافرمانی خداوند در شکم ماهی بزرگی(نهنگ) گرفتار می‌شود و پس از پشیمانی و توبه بسیار رهایی می‌یابد.

علاوه بر نوح(ع) و یونس(ع)، یوسف(ع) نیز از جمله پیامبرانی‌اند که تلمیح به قصص زندگانی او در اشعار فارسی و عربی بسیار است. سعدی یک بار در اشعار تازی خود به ماجرای عزیز مصر شدن و خوش‌نامی و محبوبیت آن حضرت اشاره کرده و در تشبیهی آشکار ممدوح خود یعنی سعد/بن ابی بکر را در عزت و محبوبیت به یوسف(ع) مانند کرده است. بن‌مایه این تشبیه مبالغه‌آمیز مضمون آیه ۸۸ سوره یوسف است که در آن برادران یوسف(ع) او را با عنوان عزیز مصر خطاب کرده‌اند و کلمات عزیز، یوسف و مصر پایه الهام‌گیری شاعر از آیه فوق است.

ملیک غدا فی کل بلدة اسمہ عزیزا و محبوبا کیوسف فی مصر

(سعدی: ۷۶، ب ۱۶)

- پادشاهی که در آینده در همه سرزمین‌ها نام‌اش مانند نام یوسف(ع) در مصر عزیز و محبوب خواهد بود

با توجه به نمونه‌های ذکرشده و تحلیل و بررسی آن‌ها درمی‌یابیم که خاقانی و سعدی هر دو از تلمیح به عنوان یکی از شیوه‌های الهام‌گیری از قرآن در اشعار عربی خود بهره گرفته و با ترکیب زیبایی‌اندیشه و عنصر زیباشناختی بر غنای کلام خود افزوده‌اند. دو شاعر هم به قصص و هم به مضامین قرآن اشاراتی داشته‌اند که تلمیحات به قصص به واسطه جذابیت و اثرگذاری و همه‌فهمی داستان‌ها، بسامد بیش‌تری دارد. رخدادهای زندگانی پیامبرانی از قبیل نوح، یوسف، یونس، موسی و عیسی علیهم السلام مشترکاً بیش از دیگر پیامبران مورد توجه و استفاده دو شاعر بوده است. در مورد مضامین اما تفاوت‌هایی دیده می‌شود. خاقانی اغلب به منظور ستایش ممدوح یا مفاخره



از مضامین قرآن بهره برده اما سعدی بیش تر در تحمیدیه و ستایش خداوند و مرثیه و غنا آن‌ها را به کار گرفته‌است. قریب به اتفاق مواردی که دارای تلمیح به مضامین هستند، نوعی ترجمه آزاد از آیات به شمار می‌روند.

### تلمیح به مضامین قرآن در اشعار عربی خاقانی و سعدی

طلقت دنیاکم ثلاثا بته من غیر رجعتها ولا استثناء

(خاقانی: ۹۴۳، ب ۷)

- به یقین دنیای شما را سه طلاق کردم و هرگز به آن باز نخواهم گشت و استثنایی در این باره وجود ندارد

زیبایی اندیشه نخستین نکته‌ای است که در بررسی تأثیرات خاقانی از قرآن به چشم می‌آید. به بیان دیگر تأثیرات او از قرآن در این رویکرد محتوایی موجب غنای شعر او می‌شود. او برای غنای محتوا از عنصر تلمیح بهره می‌گیرد و به نوعی اندیشه زیبا را با یک عنصر زیباشناختی همراه می‌کند. اختصاص ۴۱ بیت از ابیات عربی به این نوع الهام‌گیری برای اثبات این ادعا کافی است. بیت بالا از اشعار مفاخره‌آمیز خاقانی است و او با تلمیح به مضمون آیه ۲۳۰ سوره بقره مبنی بر اینکه اگر مردی زن خود را سه بار طلاق گوید، نمی‌تواند به او رجوع نماید (مگر با شرایط خاصی که در آیه آمده است) با قرار دادن خود به جای مرد و دنیا به جای زن، مناعت طبع و بی‌اعتنایی‌اش به دنیای ناپایدار را به طور قاطع و برگشت‌ناپذیر بیان کرده است. برخی از تلمیحات خاقانی گاه ترجمه آزاد از آیه به شمار می‌آیند که بیت فوق می‌تواند نمونه‌ای از این گونه الهام‌گیری باشد.

در اشعار عربی خاقانی مانند اشعار فارسی او «یکی از رویکردهای مهم، اثرپذیری الهامی بنیادی است. شاعر در این رویکرد پایه و بنیاد سخن را از آیه اخذ می‌کند» (سیده زهرا موسوی و محسن ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴). بیت زیر که در مدح ملک اعظم علاءالدین است و به روال اشعار مدحی، خاقانی در آن ترک ادبی شرعی نموده و ممدوح را با خدا قیاس کرده است، در حقیقت ترجمه‌ای آزاد از آیه ۸۲ سوره قصص است. در مصراع اول خاقانی ضمن تشبیه ممدوح به دریا، بخشش و عدم بخشش او را به سان جزر

و مد دریا قلمداد کرده و در مصراع دوم با استناد به مضمون آیه مذکور مبنی بر اینکه خداوند گاه از روی لطف به بنده‌اش می‌بخشد و گاه از روی حکمت از او دریغ می‌کند، مرام ممدوح را با شیوه خداوند یکی دانسته است.

هو البحر ذو الجزر والمد فی الندی      كذلك داب الله يعطی ویمنع

(خاقانی: ۹۵۷، بیت ۱۱)

- او همانند دریا در بخشش صاحب جزر و مد است. این همان مرام خداست که می‌بخشد و منع می‌کند

علاوه بر دو بیت بالا بیت:

ما ینسج النحل الصناع معینا      الا علیه طراز کل شفاء

(خاقانی: ۹۴۳، ب ۱۲)

- زنبور کارگر، عسلی را تولید نمی‌کند مگر اینکه نقشی از شفا در آن باشد نیز از نوع الهام‌گیری تلمیحی با رویکرد الهامی بنیادی است. تعدد و تنوع مضامین در قرآن به گونه‌ای است که هیچ کتابی در این زمینه به پای آن نمی‌رسد. عسل و شیوه تولید و خواص به ویژه خاصیت شفابخشی آن موضوعی است که خداوند در آیه ۶۹ سوره نحل به آن اشاره کرده و *خاقانی* هم در اشعار فارسی:

اگر ذات تو یزدان وار فیض فضل می‌بارد

ضمیرم نیز نحل‌آسا شغای جان می‌افزاید

(خاقانی: ص ۴۵۰، ب ۱۰)

و هم در اشعار عربی خود که نمونه‌اش ذکر شد، از این مضمون قرآنی بهره گرفته است. تا اینجا چهار سه از ابیات تازی *خاقانی* به عنوان نمونه‌های کارکرد تلمیح در اشعار عربی او با تحلیل آن‌ها بیان شد. اکنون برای مقایسه و تطبیق این نمونه‌ها با اشعار عربی سعدی، سه بیت نیز از سعدی بیان و بررسی می‌گردد.

الكافل الرزق احسانا وموهبة      إن أحسنوه وإن لم یحسنوا عملا

(سعدی: ۷۳، ب ۲)

- خداوند از روی لطف و بخشش بر عهده دارنده رزق و روزی موجودات است. چه برای او عمل نیکی انجام بدهند و چه انجام ندهند

بیش‌ترین میزان استفاده سعدی از مضامین قرآن در اولین قصیده عربی اوست. دلیل این امر نیز تحمیدیه بودن این چکامه است که ایجاب می‌کند کلام شاعر از آغاز تا پایان اذعان به قدرت خداوند و ذکر نعمت‌های او بر بندگان و نام‌ها و صفات او باشد. در بیت بالا که از قصیده مذکور است، سعدی صفت رزاقیت بی‌قید و شرط خداوند را یادآور شده که برای همگان عمومیت دارد و صرف نظر از عملکرد خوب یا بد بنده روزی او را می‌رساند و آنگونه که خود سعدی در دیباچه «گلستان» گفته «وظیفه روزی به خطای منکر نبرد». مضمون این بیت اشاره است به آیه ۱۹ سوره شورا که ضمن یادآوری لطف خداوند نسبت به بندگانش، رزاقیت او را نیز بیان می‌کند.

علاوه بر ویژگی روزی‌رسانی خداوند، وجود نشانه‌های قدرت او در جای‌جای عالم هستی با هدف تشبیه و آگاه‌سازی صاحبان عقل و اندیشه از دیگر مضامین قرآنی است که سعدی در بیت زیر با الهام از آیه ۱۶۴ سوره بقره مبنی بر اینکه هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، دال بر قدرت آفریننده آن است، ترجمه آزادی از این آیه انجام داده است. دقت در معنی بیت و مقایسه آن با مضمون آیه مورد نظر بیان‌گر این الهام‌گیری است.

کم فی البرية من آثار قدرته      وفي السماء لآيات لمن عقلا  
(سعدی: ۷۳، ب ۶)

- چه بسیار از نشانه‌های قدرت خداوند در زمین و آسمان هست برای کسانی که اندیشه می‌کنند

علاوه بر ابیات فوق که همگی از اولین قصیده سعدی در ستایش خداوند نقل شده‌اند و تلمیح به مضامین قرآنی در آن‌ها امری عادی تلقی می‌شود، در بیت زیر مضمونی متفاوت با ابیات پیشین مشاهده می‌کنیم. در این بیت سعدی دلیل زردی رخسار خود را درد و رنج عشق و پریشان‌حوالی در فراق محبوب دانسته و برای تأکید بر این نکته غنایی، هنرمندانه از مضمون آیه ۲۴ سوره نور مبنی بر شهادت اعضاء و جوارح انسان در روز قیامت به کارهایی که انجام داده‌اند، بهره برده و رنگ‌پریدگی خود را گواه عشق دانسته است. از اینجا معلوم می‌شود که هنر سعدی در تلمیح به مضامین قرآن منحصر به قصاید مدحی نیست و در انواع دیگر شعری نیز این نوع الهام‌گیری اصالت سبکی او به شمار می‌رود:

تشابه بالقیامة سوء حالی                      وإلا لم تكن شهدت جلودی

(سعدی: ۸۰، ب ۱)

- بدی حال من در عشق شبیه سختی روز قیامت است وگرنه پوستام به آن  
گواهی نمی‌داد

### اقتباس در اشعار عربی خاقانی و سعدی

یکی دیگر از گونه‌های پرکاربرد استفاده از آیات قرآن در کلام شاعران و نویسندگان اقتباس است. بدیع‌شناسان تعاریف متعددی برای اقتباس ذکر کرده‌اند. یکی از این تعاریف که نمونه‌های یافته‌شده در مقاله حاضر بر اساس آن انتخاب شده‌اند، این است: «اقتباس در اصطلاح اهل ادب آن است که حدیثی یا آیتی از کلام الله مجید یا بیت معروفی را بگیرند و چنان در نظم و نثر بیاورند که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال» (همایی، ۱۳۷۳: ۳۸۴-۳۸۳).

این نوع وام‌گیری که هدف آن فقط اشاره به مضمون آیه نیست بلکه در آن پاره‌ای از آیات قرآن در کلام ذکر می‌شود، گاه به شکل اقتباس جملات اسمیه و فعلیه و گاه به شکل اقتباس ترکیبات اضافی و وصفی است. اکنون برای تبیین این موضوع نمونه‌هایی از این گونه اقتباسات در اشعار عربی خاقانی و سعدی نقل می‌شود.

### اقتباس جملات اسمیه و فعلیه

تبت یداً من یدم تربتها                      فتبت ذا بناء بغداد

(خاقانی: ۹۵۱، ب ۳)

- بریده باد دو دست کسی که از خاک بغداد بدگویی کند. پس دو دست‌اش بریده  
باد. این است شهر بغداد!

خاقانی در اقتباسات خود نیز مانند تلمیحات پیش‌تر در مدایح آیات قرآن را به کار می‌گیرد. پیش از این در تلمیحات دیدیم که او چگونه در ستایش بغداد به مضمون آیات قرآن اشاره نمود و اکنون مشاهده می‌کنیم که بیت فوق نیز در ستایش شهر بغداد است و خاقانی با اقتباس جمله فعلیه «تبت یداً» از آیه ۱ سوره مسد، آرزوی نابودی برای

بدگویان و بدخواهان این سرزمین را دارد. او در تشبیهی پنهان، بدگویان شهر بغداد را همانند *بولهب* پست و نادان خطاب کرده و مستحق نفرین الهی دانسته است.

و نیز در بیت:

و ذوو الجیوش لدیک خروا سجدا      سجد السماک لهم و خر المشتري

(خاقانی: ۹۵۵، ب ۲۱)

- و صاحبان لشکرها در برابر تو به سجده افتادند، مانند سجده ستاره سماک و به زمین افتادن سیاره مشتری

می‌بینیم که او عبارت قرآنی «خروا سجدا» مقتبس از آیه ۱۵ سوره سجده را که بیان‌گر سجده ایمان‌آوردگان در برابر قدرت حق تعالی است، برای ستایش ممدوح یعنی *سیف‌الدین مظفر بن محمد صاحب در بند* به کار برده است. علاوه بر این می‌توان اشاره پنهان او به سجده کردن ماه و خورشید و یازده ستاره در برابر یوسف(ع) را در مصراع دوم مشاهده کرد که تلمیح است به مضمون آیه ۴ سوره یوسف و خوابی که آن حضرت به هنگام کودکی در عالم رؤیا مشاهده کرده بود. جز این دو نکته کلمات السماک و المشتري یادآور دانسته‌های نجومی خاقانی هستند.

به دلیل کارکرد کم اقتباس جملات قرآنی در اشعار عربی خاقانی به ذکر همین دو بیت اکتفا می‌کنیم. در ادامه چهار سه از سعدی به عنوان نمونه نقل و تحلیل می‌شود. شایان ذکر است که تعداد اقتباس جملات قرآنی در عربی سروده‌های سعدی بیش‌تر است. سعدی عموماً در پایان قصاید مدحی خود اعم از فارسی و عربی از سپاس خداوند و یادآوری نعمات الهی دریغ نمی‌کند. در ابتدای بیت زیر نیز جمله فعلیه «عفا الله» را که بر بخشایش خداوند و چشم‌پوشی از خطای بندگان دلالت دارد، از آیه ۱۵۵ سوره آل عمران اقتباس کرده و با استناد به نص صریح قرآن، بخشاینده‌گی خداوند نسبت به بندگان‌اش و صبر او بر جرم آن‌ها را بیان کرده است.

عفا الله عنا ما مضی من جریمة      ومن علینا بالجمیل من الصبر

(سعدی: ۷۶، بیت ۱۴)

- خداوند از گناهایی که مرتکب شده‌ایم، گذشت و ما را بخشید و با صبر زیبا بر ما منت گذاشت

و در بیت:

معشر اللائمین من یضلل الله

بعید بآنه یستقیم

(سعدی: ۸۳، ب ۱۶)

- گروه سرزنش‌کنندگان کسانی هستند که خدا آن‌ها را گمراه کرده و بعید است که به راه راست هدایت شوند

شاعران همواره در شعر خود از سرزنش غیر عاشقان شکوه کرده‌اند. آنانی که چون خود بویی از عشق نبرده‌اند، توان درک عشق و عظمت آن را ندارند و به علت همین ناآگاهی عاشقان را ملامت می‌کنند.

سعدی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و گمراهی عمیق و پایدار این ناعاشقان را در حد ضلالت ابدی کسانی دانسته که خدا گمراه‌شان نموده و امیدی به هدایت آنان نیست. او برای تأکید بر این مضمون غنایی جمله فعلیه «من یضلل الله» را که در آیات بسیاری از جمله آیه ۱۸۶ سوره اعراف آمده، اقتباس کرده است.

ما علی العاقل من لغوی إذا مروا کراما

لکن الجاهل ان خاطبني قلت سلاما

(سعدی: ۸۷، ب ۲۱)

- بر عهده انسان عاقل نیست که از کارهای لغو و بیهوده من با بزرگواری بگذرد، اما اگر فرد نادانی با من سخن بگوید، با او خوب و ملایم سخن می‌گوییم

با دقت در ابیات منتخب برای اقتباس جمله در اشعار عربی خاقانی و سعدی درمی‌یابیم که اقتباس در اشعار هر دو شاعر بسامد کم‌تری نسبت به تلمیح دارد. کارکرد جملات فعلیه کوتاه که از دل آیه اقتباس شده‌اند، در شعر سعدی نمود بیش‌تری دارد. مطابق انتظار، خاقانی به منظور اعتبار بخشیدن به مدایح خود شیوه اقتباس را برگزیده اما سعدی با هدف ستایش خدا و غنی‌سازی مضامین عاشقانه و نیز اندکی موعظه به این روش روی آورده است.

اکنون برای تکمیل این مبحث، شواهدی برای اقتباس ترکیبات اضافی و وصفی قرآن در تازی سروده‌های دو شاعر بازگو می‌شود.

### اقتباس ترکیبات اضافی و وصفی

بر خلاف اقتباس جملات قرآنی که تعداد بسیار اندکی از اقتباسات خاقانی را تشکیل می‌دهند، او از ترکیبات قرآنی استفاده بیش‌تری نموده است. به اقتضای آنکه قرآن کلام خداست، واژه متبرکه «الله» در مصحف شریف بسیار به کار رفته و در نتیجه ترکیبات اضافی که با این واژه ساخته شده‌اند، طبعاً تعداد زیادی را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین طبیعی است که شاعران و از جمله خاقانی و سعدی در کلام خود از چنین ترکیباتی بیش‌تر بهره‌ور شده باشند. ابیات شاهد مثال برای اقتباس ترکیب در شعر عربی خاقانی، مصداق این ادعاست.

بیت زیر:

وصلت بحبل الله لکن شدتدت فی غصن طوبی واسع الفیاء

(خاقانی: ۹۴۲، ب ۷)

- به ریسمان الهی چنگ زدم و به سوی شاخه درخت طوبی که سایه‌اش گسترده است، دویدم

که ترکیب اضافی «حبل الله» را در خود دارد و خاقانی در بیان استحکام ایمان و عقیده خود نسبت به خدا آن را اقتباس نموده است. این ترکیب فقط یک بار در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران آمده است. بیت زیر نیز متعلق به قصیده‌ای است که خاقانی آن را در ستایش عماد الدین سروده و در آن از دلایل و محسنات خضاب کردن ممدوح سخن گفته است. در ابیات پیشین شاعر به این نکته اشاره کرده که خضاب کردن یک سنت الهی است و پیامبران و امامان اهل خضاب بوده‌اند و حتی خداوند با تیره کردن خورشید به نوعی آن را خضاب می‌کند. سپس در ادامه شعر ترکیب اضافی «سنة الله» را که متناسب با محتوای کلی شعر اوست و در چهار آیه از جمله آیه ۶۲ سوره احزاب آمده، اقتباس کرده و از این طریق به سخن خود وجهه شرعی داده است.

أما ترون کسوف الشمس یخضبها لسنة الله یهدی سنة الأمم

(خاقانی: ۹۶۵، ب ۵)

- باید کسوف خورشید را ببینند که در واقع آن را خضاب می‌کند. سنت امت‌ها نیز بر اساس سنت الهی هدایت می‌شود

جز ترکیبات برساخته با واژه «الله» ترکیبات دیگری نیز در قرآن کریم به کار رفته است. به عنوان نمونه ترکیب وصفی «جنات عدن» که یازده بار در قرآن از جمله در آیه ۸ سوره بینه مذکور افتاده و *خاقانی* یک بار آن را اقتباس کرده است. او باغ و بوستان‌های این جهانی را برای توصیف مجلس ممدوح *امام جلال الدین الخواری* ناکافی و نامناسب دانسته و در یک تشبیه بلیغ اسنادی «جنات عدن» یعنی باغ‌های همیشگی را بهترین مصداق و مشبه‌به برای بیان شکوه و جلال و جاودانگی آن تشخیص داده است. جز این لفظ طوبی نیز یادآور درخت بهشتی است:

اعواده طوبی ومجلس مجده  
جنات عدن موعده العرفاء  
(خاقانی: ۹۴۵، ب ۱۲)

- گیاهان خوشبوی باغ او به سان درخت طوبی است و محفل و دربار باعظمت او همچون باغ‌های همیشگی بهشت، میعادگاه عارفان و اهل معرفت است تا اینجا چهار نمونه از اقتباس ترکیبات قرآنی در اشعار عربی *خاقانی* ذکر و تحلیل شد. اکنون چهار بیت نیز به عنوان شاهد مثال از سعدی نقل می‌شود تا در پایان مقایسه‌ای تطبیقی در این باره صورت گیرد.

سعدی بر خلاف *خاقانی* ترکیب برساخته با لفظ جلاله «الله» در اقتباسات خود ندارد و ترکیبات قرآنی برگزیده او از تنوع بیش‌تری برخوردارند چنانکه دسته‌بندی آن‌ها در یک عنوان واحد امکانپذیر نیست.

بیت زیر را می‌توان مصداقی برای کارکرد آیات قرآن در ابیات عاشقانه سعدی به شمار آورد. او در مصراع دوم ترکیب اضافی «حبل الوریث» را که فقط یک بار در آیه ۱۵ سوره ق آمده است، در تشبیهی آشکار مشبه‌به پیمان عشق خود قرار داده تا از یک سو استحکام و پایداری آن را بیان کند و از سوی دیگر به معشوق بفهماند که پیمان گسست‌ناپذیر سعدی در عشق او چگونه از هم گسسته شده است.

صرمت حبال میثاقی صدودا  
وألزمهن كالحبل الوریث  
(سعدی، ۷۹، ب ۱۳)

- در عشق تو ریسمان‌های پیمان‌ام از هم بریده شد، در حالی که آن‌ها را ملزم کرده بودم مانند شاه‌رگ محکم و استوار باشند



جز یادآوری پیمان عشق و تأکید بر استحکام آن، تحمل جور و جفای معشوق و صبر بر آزار او از دیگر بن‌مایه‌های غنایی است که همواره از جانب عاشق انجام گرفته و گاه موجب عجز و اندوه او شده است. یکی از این آزارها، ظلم معشوق بر عاشق است که جز شکیبایی چاره‌ای برای آن متصور نیست. سعدی خود را در عشق، گناهکاری می‌بیند که علاوه بر تحمل بار گناهان خود باید بار گناه معشوق را نیز بر دوش بکشد. او برای تفهیم هرچه بهتر این مفهوم، ترکیب اضافی «وزر اخری» را از آیه ۳۸ سوره نجم اقتباس نموده است.

انما قصتی کوازة کلفها  
جور ظالم وزر اخری  
(سعدی: ۸۸، ب ۱۲)

- همانا قصه من مانند قصه گناهکاری است که ستم ستم‌گر و گناه دیگری را بر عهده می‌گیرد

علاوه بر مضامین غنایی در اشعار عربی سعدی که به زیور ترکیبات قرآنی آراسته شده و پیش از این بیان و بررسی گردیدند، در مرثیه زیر نیز این نوع شیوه الهام‌گیری به کمک او آمده، و قدرت تصویرپردازی سعدی را در به نمایش گذاشتن اوج اندوه همگان در سوگ المستعصم بالله به اوج رسانده است. او در اغراقی متناسب با بافت قصیده حتی اماکن مقدسی همچون «ام القری» و «کعبه» را به شیوه جان‌بخشی سوگوار این مصیبت دانسته است. ترکیب اضافی «ام القری» که در بیت آمده، مقتبس از آیه ۹۲ سوره انعام است.

لقد ثکلت ام القری ولکعبه  
مدامع فی المیزاب تسکب فی الحجر  
(سعدی: ۸۹، ب ۱۵)

- ام القری و کعبه اشک‌های خود را از دست دادند، مانند ناودانی که آب از آن‌ها بر زمین می‌ریزد

در این بخش کار بررسی نمونه‌های اقتباس از ترکیبات وصفی و اضافی قرآن در اشعار عربی خاقانی و سعدی پایان یافت. با تأمل در ابیات نمونه متوجه می‌شویم که اقتباس از ترکیبات در شعر سعدی از خاقانی بیش‌تر است. خاقانی اغلب ترکیبات بر ساخته با واژه «الله» را به کار برده حال آنکه شعر سعدی نمونه‌ای از این نوع ترکیبات ندارد. اکثر

استفاده *خاقانی* از ترکیبات در مدح اشخاص و اماکن است اما سعدی آن‌ها را در مضامین غنایی و مرثیه به کار گرفته است. ترکیبات اضافی قرآنی نسبت به ترکیبات وصفی در شعر هر دو شاعر بسامد بالاتری دارند. هر دو شاعر اقتباس را که یکی از صنایع بدیعی است، با صنعت دیگری از قبیل انواع تشبیه، استعاره یا جان‌بخشی همراه نموده و زیبایی اندیشه خود را با عناصر زیبایی شناختی درآمیخته و از این طریق بر غنای محتوای کلام خود افزوده‌اند.

### حل در اشعار عربی خاقانی و سعدی

حل یا تحلیل گونه دیگری از روش‌های اثرپذیری از آیات قرآن است که کم‌تر از سه روش دیگر در ادب فارسی کاربرد دارد و «منظور از این اثرپذیری آن است که آیه یا حدیث شکسته شود و اجزاء و الفاظ آن به صورتی بریده و از هم گسسته در کلام به کار گرفته شود، به گونه‌ای که واژه‌های تشکیل دهنده آیه یا حدیث از هم دور افتد، یا مقدم و مؤخر شود، یا قسمتی از آن حذف شود، یا تغییراتی صرفی یا نحوی در آن ایجاد شود» (انصاری، ۱۳۶۸: ۱۲۱). بر اساس این تعریف ابیات نمونه‌ای که از *خاقانی* و سعدی انتخاب شده‌اند، پس از تحلیل و بررسی با این تعریف مطابقت داده می‌شوند.

سبحان من اسرى بخاطر عبده  
لیلا إلى الأقصى بذی الاسراء  
(خاقانی: ۹۴۳، ب ۱۸)

- پاک و منزّه است خدایی که قلب و ضمیر بنده‌اش را شبانه از مسجد الاقصی به ذی‌الاسراء حرکت داد

*خاقانی* در اشعار عربی خود یک بار ماجرای معراج حضرت رسول اکرم (ص) را به شیوه حل مورد استفاده قرار داده است. بر اساس تعریف بالا می‌بینیم که در بیت فوق آیه «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (اسراء/۱) دگرگونی بسیار یافته و حذف و تقدیم و تأخیر در آن راه پیدا کرده است. به جای واژه «الذی» کلمه «من» آمده، جار و مجرور «به خاطر» اضافه شده، حرف اضافه «ب» در «بعبد» حذف شده، «من المسجد الحرام» حذف شده، کلمه «المسجد» قبل از کلمه «الاقصى» حذف شده و در نهایت تعبیر «بذی الاسراء» به

ساختار آیه اضافه شده است. مجموع این تغییرات موجب شده است که الهام‌گیری خاقانی از این آیه در بیت بالا در شمار تحلیل‌های او قرار گیرد. شاهد مثال برای حل در اشعار عربی خاقانی منحصر به همین یک بیت است اما در شعر سعدی:

ایا احمد المعصوم لست بخاسر وروحک والفردوس عسر مع الیسر

(سعدی: ۷۵، ب ۲)

- ای ستوده‌تر پاک! تو زیانکار نیستی در حالی که روح تو و بهشت تداعی‌گر سختی و آسانی است (روح تو با مرگ پس از سختی به آسانی رسیده است) در پایان مصراع دوم تحلیل آیه ۶ سوره شرح دیده می‌شود که اصل آیه چنین است: ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾، حال آنکه در این بیت حرف مشبیهه بالفعل «إِنَّ» کاملاً حذف شده و حرف جرّ «مع» نیز جابه‌جا شده و جای «ال» معرفه نیز از کلمه «عسر» به کلمه «یسر» منتقل شده است.

مصراع دوم بیت زیر نیز تحلیل آیه ۱ سوره طلاق است که به دلیل طولانی بودن کل آیه فقط بخش مورد نظر ذکر می‌شود: ﴿اللَّهُ يُحَدِّثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾. همانگونه که مشاهده می‌شود واژه «الله» در این الهام‌گیری جابه‌جا شده که نوعی از حل یا تحلیل است.

طل عمری تصابیا ولعمری یحدث الله بعد ذلک امرا

(سعدی: ۸۸، ب ۲۱)

- عمرم به بازیچه سپری شد و به جان‌ام سوگند که خدا پس از این، پیشامدی پدید می‌آورد

او یحسب الانسان ما سلک اهتدی لآ، من هداه الله فهو المهتدی

(سعدی: ۸۹، ب ۱۴)

- آیا انسان گمان می‌کند که با پیمودن راه زندگی هدایت شده است؟ نه، هر کس خدا او را هدایت کرد، هدایت شده است

با دقت در مصراع دوم درمی‌یابیم که در آیه ۱۷۸ سوره اعراف ﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ فعل مضارع «يَهْدِي» آمده و سعدی آن را به فعل ماضی «هداه» تغییر داده که نوعی تحلیل است.

بر اساس آنچه برای شیوه الهام‌گیری حل یا تحلیل و نمونه‌های آن در اشعار عربی خاقانی و سعدی ذکر و تحلیل شد، مشخص می‌شود که خاقانی خیلی کم‌تر از سعدی به این روش تمایل داشته است.

تحلیل‌های او محدود به یک بیت در مدح حضرت ختمی مرتبت (ع) است اما سعدی سه بیت با مضامین مدح و موعظه با رویکرد تحلیل دارد. میزان تغییرات آیه در تحلیل خاقانی زیاد و در تحلیل‌های سعدی کم است.

### تضمین در اشعار عربی خاقانی و سعدی

شیوه دیگر وام‌گیری از آیات قرآن در شعر و نثر، تضمین است. طبق نظر علی‌اصغر حلبی «تضمین در علم بدیع عبارت از این است که شاعر آیتی یا حدیثی یا بیتی یا دوبیتی از شعر یا نوشته شاعران و نویسندگان پیشین یا معاصر را در سروده خود می‌آورد و اگر آن سخن مشهور نباشد، نام او را در سخن خود ذکر می‌کند» (حلبی، ۱۳۷۵: ۵۰) و در مورد آیات قرآن باید گفت: «عیناً آیه در بیت ذکر می‌شود» (راستگو، ۱۳۸۶: ۳۰).

بر پایه تعریف مذکور در تازی‌سروده‌های خاقانی نمونه‌ای برای تضمین یافت نشد اما در اشعار عربی سعدی دو مورد تضمین یکسان از آیه ۱ سوره حمد به چشم می‌خورد. یک بار در اولین چکامه عربی او در ستایش خداوند و بار دیگر در قصیده‌ای در مدح سعید فخر الدین منجم:

الحمد لله رب العالمین علی  
ما اوجب اشکر من تجدید الاثنه  
(سعدی: ۷۸، ب ۹)

- سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است، تکرار نعمت‌هایش بر من واجب می‌سازد که او را سپاس بگویم

الحمد لله رب العالمین علی  
ما در من نعمة عز اسمه وعلا  
(سعدی: ۷۸، ب ۹)

- سپاس خدای را که پروردگار جهانیان است، سپاسی که شایسته نعمت‌های او که نام‌اش عزیز و بلند است، باشد

## نتیجه بحث

در پی هجوم اعراب به ایران و تأثیر تدریجی اما عمیق زبان عربی بر زبان فارسی و آشنایی ایرانیان با علوم و معارف اسلامی و قرآنی، عربی‌سرایی در میان برخی شاعران و نویسندگان پارسی زبان رونق یافت تا آنجا که مایه فخر و مباهات گروهی از آنان شد. این تسلط تا جایی پیش رفت که «شاعران دوزبانه» پدیدار شدند که به شیوایی و زیبایی اشعار فارسی، شعر تازی نیز می‌سرودند و در تازی‌سروده‌های خود ملهم از آیات و مضامین بزرگ‌ترین منبع دینی به زبان عربی یعنی قرآن کریم بودند.

خاقانی و سعدی دو تن از شاعران نام‌آور زبان فارسی هستند که در دو عرصه شعر پارسی و تازی طبع‌آزمایی نموده و در هر دو زمینه یک‌تاز میدان بوده‌اند. بر اساس پژوهش حاضر الهام‌گیری از قرآن مجید به چهار روش «تلمیح، اقتباس، تضمین و تحلیل» انجام می‌شود.

خاقانی پانصد و نه بیت شعر عربی دارد که در ضمن آن‌ها سی و چهار مورد تلمیح به قصص قرآن، هفت مورد تلمیح به مضامین قرآن، یازده مورد اقتباس از ترکیبات قرآنی و پنج مورد اقتباس از جملات قرآنی به کار رفته است. در اشعار عربی او برای تحلیل یک نمونه یافت شد و برای تضمین شاهد مثالی دیده نشد. سعدی چهار صد و شش بیت عربی دارد که در خلال این ابیات ده مورد تلمیح به مضامین قرآن، پنج مورد تلمیح به قصص قرآن، ده مورد اقتباس از ترکیبات قرآن، هفت مورد اقتباس از جملات قرآنی، سه مورد تحلیل و دو مورد تضمین یافت شد. با توجه به آمار و ارقام ارائه شده و در نظر گرفتن این نکته که خاقانی صد و سه بیت تازی بیش‌تر از سعدی دارد، می‌توان نتیجه گرفت که:

- هم خاقانی و هم سعدی تسلط کامل بر زبان عربی داشته‌اند.
- هر دو شاعر در اشعار عربی خود به چهار روش «تلمیح، اقتباس، تضمین و تحلیل» روابط بینامتنی با قرآن کریم برقرار کرده‌اند.
- در میان چهار شیوه الهام‌گیری از آیات و مضامین قرآن در تازی‌سروده‌های دو شاعر، بر اساس بسامد ابتدا تلمیح و پس از آن به ترتیب اقتباس، تحلیل و تضمین کاربرد داشته‌اند.

- تلمیحات *خاقانی* هم به قصص و هم به مضامین قرآن از تلمیحات سعدی بسیار بیش تر است.
- بسامد اقتباس هر دو شاعر هم از ترکیبات و هم از جملات قرآنی به هم نزدیک است.
- *خاقانی* در سروده‌های عربی خود فقط یک مورد تحلیل از آیات قرآن و سعدی سه مورد تحلیل داشته‌اند.
- برای تضمین در اشعار عربی *خاقانی* نمونه‌ای مشاهده نشد اما سعدی دو مورد تضمین در اشعار عربی خود به کار برده است.

## کتابنامه

### قرآن مجید.

- انصاری، قاسم. ۱۳۶۸ش، شرح و توضیح مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری هروی، تهران: انتشارات طهوری.
- بندر ریگی، محمد. ۱۳۶۸ش، ترجمه منجد الطلاب (فرهنگ عربی به فارسی)، چاپ ششم، تهران: انتشارات اسلامی.
- حلبی، علی‌اصغر. ۱۳۷۵ش، تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی، تهران: انتشارات اساطیر.
- راستگو، محمد. ۱۳۸۶ش، تأثیر قرآن و حدیث در شعر پارسی، قم: انتشارات دارالاسلام.
- سجادی، ضیاء‌الدین. ۱۳۹۱ش، شرح و توضیح دیوان خاقانی، تهران: انتشارات زوار.
- فروغی، محمدعلی. ۱۳۷۲ش، کلیات سعدی، چاپ هفتم، تهران: نشر محمد.
- کاظمی، شهاب. ۱۳۷۰ش، آفرینش هنری در داستان ابراهیم (ع)، چاپ اول، قم: انتشارات أحسن الحدیث.
- همای، جلال‌الدین. ۱۳۶۳، فنون بلاغت و صناعات ادبی (دوره دو جلدی)، تهران: انتشارات توس.

## مقالات

- حسینی وردنجانی، سید محسن و عبدالله رادمرد. ۱۳۹۶ش، «تازی سروده‌های خاقانی»، متن‌شناسی ادب فارسی، شماره ۲، صص ۸۴-۶۷.

## Bibliography

- Holy Quran, translated by Mohammad Mehdi Fouladvand.
- Ansari, Qasem, 1368, Explaining and explaining the prayers of Khajeh Abdullah Ansariyraud, Tehran, Taheri Publishing.
- Bandar Rigi, Mohammad, 1368, Translation of Manjid al-Talab (Arabic to Persian), Sixth edition, Tehran, Islamic publication.
- Halabi, Aliasghar, 1375, Effect of the Qur'an and hadith in Persian literature, Tehran, Isfahan.
- Truthful, Muhammad, 2007, Effect of the Qur'an and hadith in Persian poetry, Qom, Dar al-Islam.
- Sajjadi, Zia al-Din, 1391, Explanation of Divan Khaghani, Tehran, Zavar Publishing.
- Foroughi, Mohammad Ali, 1390, Generalate Sadi, Seventh Printing, Tehran, Mohammad Publishing.
- Kazemi, Shahab, 1370, Artistic creation in the story of Ibrahim (AS), First edition, Qom, Ahsan al-Hadith publications.
- Homayi, Jalal al-Din, 1363, Techniques of Rhetoric and Literature (two-volume course), Tehran, Toos Publishing.

**Articles**

Hosseini Vardanjani, Seyyed Mohsen, Radmard, Abdullah, 1396, Shi'a Khaghani Poems, Textbook of Persian Literature, No.2, pp.67- 84.



